

فراسوی «خودت رو بکش بالا»: برای فمینیسم ۹۹ درصد و اعتصاب بین‌المللی رزمنده در روز ۸ مارس

لیندا مارتین آلکوف، سینزیا آروتزانا، تیتی باتاچاریا، نانسی فریزر، کینگا یاماتا تیلور، راسمی یوسف اُوده، آنجلا دیویس، باربارا رنسی

ترجمه: گروه فمینیستی

یادداشت گروه فمینیستی: متن حاضر بیانیه و فراخوانی است که جمعی از کنش‌گران و نظریه‌پردازان فمینیست سوسیالیست خطاب به زنان و کنش‌گران فمینیست و همه‌ی همراهان و حامیان مبارزات فمینیستی در ایالات متحد نوشته‌اند و آن‌ها را به حضور فعال در مبارزات رزمنده‌ی بین‌المللی روز ۸ مارس دعوت کرده‌اند. به نظر ما، رویکرد و مواضع این متن می‌تواند برای همه‌ی دغدغه‌مندان به مسائل و مبارزات فمینیستی، و به‌طور کلی مبارزات رهایی‌بخش، حائز اهمیت و قابل‌توجه باشد. نگارندگان این متن موضعی بدیل، از چشم‌انداز فمینیسم سوسیالیستی، در ارتباط با فضای حاصل از اعتراضات توده‌ای اخیر تحت عنوان «راه‌پیمایی‌های زنان» اتخاذ می‌کنند؛ موضعی که از دو رویکرد رایج نزد فمینیست‌های چپ‌گرا فاصله می‌گیرد: از یک‌سو در تقابل با این رویکرد است که یا رهبری لوجستیکی/سازمان‌دهی/رسانه‌ای و هژمونی‌گفتمانی فمینیسم (نو)لیبرال و ابرشرکتی بر این اعتراضات را به رسمیت نمی‌شناسد، یا اگر هم به رسمیت می‌شناسند، صرفاً بر ضرورت مداخله و مشارکت در این جنبش تأکید دارد، بی‌آن‌که خطر ادغام‌شدن در جریان غالب بر این حرکت را جدی بگیرد و برای آن چاره‌ای بیاندیشد و به کار بزند، عجیب نیست که حامیان چنین رویکردی در نهایت به بخشی از پیکره‌ی جنبشی تحت هژمونی فمینیسم (نو)لیبرال بدل می‌شوند، بی‌آن‌که بتوانند به‌طور قابل‌توجهی بر تقویت گفتار رادیکال و رهایی‌بخش در این حرکت و گسستن از باورها و شعارها و جهت‌گیری ایدئولوژی غالب بر آن تأثیر بگذارند؛ از سوی دیگر، این متن راه خود را از آن رویکرد دیگر نیز جدا می‌کند که به‌دلیل نقدهایش بر جریان (نو)لیبرال غالب و حاکم بر سازمان‌دهی این حرکت از مداخله و مشارکت در آن سر باز زده و به نظاره‌گری آن از بیرون و بیان انتقاداتی تعمیم‌بخش بر کلیت آن بسنده می‌کند، رویکردی که در نهایت به‌طور منفعلانه‌ای عرصه‌ی مبارزه‌ی موجود و بزنگاه مهم اکنون را پیشاپیش به آن گفتمان (نو)لیبرال تسلیم کرده و بالقوگی‌های حاصل از حضور توده‌های مردم معترض را جدی نمی‌گیرد، و در عوض شاید عرصه‌ای ایده‌آل را برای مداخله و مشارکت در مبارزه انتظار می‌کشد. در این متن، بر لزوم مبارزه علیه دولت زن‌ستیز ترامپ تأکید می‌شود، اما پیکان نقد نگارندگان بیش از هر چیز ایدئولوژی فمینیسم لیبرالی را نشانه رفته است؛ آن‌ها به‌طور سلبی نابسندگی‌ها و وجوه سرکوب‌گر و محروم‌ساز چنین

گفتمانی را عیان می‌سازند، و نشان می‌دهند که چگونه فمینیسم لیبرالی نمی‌تواند فمینیسمی برای اکثریت جامعه باشد؛ در عین حال، با تبیین عمق و گستره‌ی بینشی که منافع اکثریت زنان و ستم‌دیدگان جنسی و جنسیتی را مورد توجه قرار می‌دهد، به نحوی ایجابی به فراسوی گفتمان نو-لیبرالی فمینیستی می‌روند و نشان می‌دهند که گفتار رهایی‌بخش و مترقی فمینیسم سوسیالیستی چه نگاهی به ضرورت‌های عملی مبارزه‌ی فمینیستی و بینش ملازم با آن دارد. نکته‌ی قابل‌توجه دیگر این که نگارندگان خواهان به‌دست‌گرفتنِ ابتکار عمل و تن‌زدن از بازی در زمینِ طراحی‌شده به‌دست‌گرایش فمینیسم ابرشرکتی هستند، آن‌ها از نظر سازمان‌دهی خود را بخشی از یک شبکه از ده‌ها گروه فمینیستِ خویشاوند در سرتاسر جهان معرفی می‌کنند؛ و به‌لحاظ تاکتیک‌های مبارزاتی، آن‌ها مخاطبانِ خویش را برای دست‌زدن به اقداماتی دعوت می‌کنند که مشخصه‌ی کنش‌های رزمنده در مبارزات اجتماعی است، از جمله دعوت به سازمان‌دادنِ اعتصابات، و بستن جاده‌ها، پل‌ها و میدان‌ها. به این ترتیب، رویکرد نگارندگان این متن -آمیزه‌ایست از تقابل با دولت زن‌ستیز حاکم، نقد ایدئولوژی و گفتمان هژمونیک بر اعتراضات توده‌ای و مبارزات فمینیستی، تبیین دغدغه‌ها و خواست‌ها و افق پیش روی جنبش از چشم‌انداز رهایی‌بخش و با گفتاری رادیکال و عمق‌نگر، تأکید بر ابتکار عمل برای سازمان‌دهی اعتراضات و اعتصابات، و ابتکار عمل برای پیشبرد شیوه‌ها و تاکتیک‌های عملی رزمنده و رادیکال.

کوتاه سخن این که امیدواریم ترجمه‌ی این متن کوتاه بتواند انگیزه‌بخشِ آشنایی و همراهی با بینش‌ها و مواضع گرایشی مترقی و رزمنده از فمینیسم سوسیالیستی باشد، و نیز الهام‌بخش کنش‌گران فمینیست فارسی‌زبان برای سازمان‌دهی و مشارکت در مبارزات بین‌المللی روز ۸ مارس از ایستار و منظر اکثریت زنان و فرودستان جنسی و جنسیتی گردد.

گروه فمینیستی

۲۱ بهمن ۱۳۹۵

* * *

«راه‌پیمایی‌های زنان» در ابعاد عظیم در روز ۲۱ ژانویه را احتمالاً می‌توان به‌عنوان آغاز موج نوینی از مبارزه‌ی فمینیستی رزمنده [یا میلیتانت] مشخص کرد. اما تمرکز این مبارزه دقیقاً چه چیزی خواهد بود؟ از نگاه ما، تقابل و ضدیت با ترامپ و سیاست‌های تهاجمی زن‌ستیزانه، هم‌جنس‌گرا-هراسانه، و نژادگرایانه‌ی او هرگز کافی نیست؛ ما باید حمله‌ی جاری نو-لیبرالی به تأمین اجتماعی و حقوق کارگران را نیز هدف بگیریم. درست است که زن‌ستیزی بی‌شرمانه‌ی ترامپ به‌طور بی‌واسطه‌ای ماشه‌ی پاسخ عظیم روز ۲۱ ژانویه را کشید، اما تهاجم به زنان (و همه‌ی کارگران) به زمانی بسی پیش از آغاز زمام‌داری ترامپ برمی‌گردد. در ۳۰ سال گذشته، به‌لطف مالی‌سازی^۱ و جهانی‌سازی ابرشرکتی^۲، شرایط زیستی زنان، به‌ویژه زنان رنگین‌پوست،

1 financialization

2 Corporate globalization

زنان کارگر، زنان بی‌کار و زنان مهاجر، بی‌وقفه رو به وخامت گراییده است. فمینیسم «خودت رو بکش بالا»^۱ و سایر طیف‌های فمینیسم ابرشرکتی^۲ اکثریت قریب به اتفاق ما را به نا-امیدی کشانده است، اکثریتی که هیچ امکانی برای ترفیع و ترقی فردی خود ندارند، و شرایط زیستی‌شان تنها از طریق سیاست‌هایی می‌تواند بهبود یابد که از بازتولید اجتماعی و عدالت بازتولیدی مصون دفاع کرده و حقوق کارگری را تضمین نماید. چنان که می‌بینیم، موج نوین سازمان‌دهی زنان باید تمامی این دغدغه‌ها را پیش روی خود قرار داده و به آن‌ها پردازد. به این معنی، این موج نوین سازمان‌دهی فمینیستی باید فمینیسمی برای ۹۹ درصد باشد.

فمینیسمی که ما در پی آن هستیم، پیشاپیش به‌طور بین‌المللی و طی مبارزاتی در سرتاسر جهان در حال پدیدآمدن است: از اعتصاب زنان در لهستان علیه منع سقط جنین، تا اعتصابات و راه‌پیمایی‌های اعتراضی زنان در امریکای لاتین علیه خشونت مردانه؛ از راه‌پیمایی اعتراضی عظیم زنان در نوامبر گذشته در ایتالیا، تا اعتراضات و اعتصابات زنان در دفاع از حقوق بازتولیدی در کره‌ی جنوبی و ایرلند. نکته‌ی چشم‌گیر درباره‌ی این سازمان‌دهی‌ها این است که بسیاری از آن‌ها مبارزات علیه خشونت مردانه را با مخالفت با موقتی‌سازی^۳ نیروی کار و نابرابری دستمزد در هم آمیختند، در حالی که همچنین با هم‌جنس‌گرا-هراسی [یا هموفوبیا]، ترنس-هراسی [یا ترنس‌فوبیا] و سیاست‌های دیگری‌ساز در ارتباط با مهاجرت در ضدیت بودند. این مبارزات در مجموع نویدبخش موج نوینی از جنبش فمینیستی با برنامه‌ها و اهدافی گسترش‌یافته‌اند، جنبشی که هم‌زمان ضد-نژادگرایی، ضد-امپریالیست، ضد-جنسیت‌زدگی دگرجنس‌گرا^۴ و ضد-نولیبرالی است.

ما خواهان مشارکت و مداخله در راستای پرورش و رشد این جنبش فمینیستی نوین جامع‌تر و گسترش‌یابنده‌تر هستیم.

^۱ Lean-in feminism. «خودت رو بکش بالا» (lean-in) عبارتی‌ست برگرفته از کتاب شریل ساندبرگ (Sheryl Sandberg)، یکی از مدیران کمپانی فیسبوک، با عنوان «خودت رو بکش بالا: زنان، کار، و خواست رهبری». این عبارت معرف درکی است که زنان را به تلاش و تکاپو و اعمال فشار برای کشیدن خود به بالا در حوزه‌های شغلی دعوت می‌کند و این شیوه را به‌مثابه‌ی مبارزه‌ای فمینیستی برای رسیدن به برابری جنسیتی در سطوح شغلی و درآمدی، همین‌طور مدیریتی و رهبری، ارائه می‌نماید. در چند سال اخیر «خودت رو بکش بالا» به یکی از انگاره‌های اساسی فمینیسم لیبرال بدل شده است و از سوی رسانه‌ها و روشنفکران متعدد این جریان به‌عنوان اساسی‌ترین شیوه‌ی دستیابی به اهداف مبارزات ضد-تبعیض و برابری طلبانه‌ی زنان معرفی می‌شود. بنابراین، فمینیسم خودت رو بکش بالا به ایدئولوژی مؤخر فمینیسم (نولیبرال) ارجاع دارد، فمینیسمی که رسیدن برخی از زنان به جایگاه‌های شغلی و حکومتی بالادست را موفقیت کل جنبش فمینیستی می‌داند، و بر مبنای این درک، از جمله، فعالیت‌های انتخاباتی و کمک به کمپین برای ریاست جمهوری هیلاری کلینتون نیز به‌عنوان تلاشی جمعی همه‌ی زنان برای کشیدن خود به بالاترین مقام ایالات متحد و به‌مثابه‌ی سیاست فمینیستی لازم معرفی می‌شد. طی اعتراضات عظیم روز ۲۱ ژانویه و پس از آن، بازوهای وابسته به حزب دموکرات ایالات متحد و نهادها و ان‌جی‌او‌ها و جریان‌های نزدیک به این حزب در تلاش بودند/هستند که همه‌ی رانه و جریان نارضایتی و خشم حاصل از اظهارات و رویکرد سیاسی زن‌ستیزانه‌ی دولت ترامپ را تحت سیطره و هژمونی چنین گفتمانی هدایت و سازمان‌دهی نمایند. / گروه فمینیستی.

2 Corporate feminism

^۲ موقتی‌سازی (casualisation) نیروی کار هنگامی رخ می‌دهد که کارگران به‌طور پیمانی، موقتی، یا به‌طور غیر-دائم و غیر-تمام‌وقت به استخدام درمی‌آیند. در سال‌های اخیر، موقتی‌سازی نیروی کار به معضلی بدل شده است که به‌طور فزاینده‌ای در حال رشد است، معضلی که به کاهش درآمد، خلع‌ید از حقوق اولیه برای پیوستن به اتحادیه‌های کارگری، و خلع‌ید کارگران از مزایای درمانی و سایر مزایای کاری انجامیده است. از شیوه‌های اجرای موقتی‌سازی نیروی کار می‌توان برای نمونه به رویه‌ی کمپانی‌ها و بنگاه‌های تولیدی برای به‌خدمت‌گرفتن کارگران به‌نحو نیمه-وقت، به‌جای تمام‌وقت، اشاره کرد، صاحبان سرمایه از این طریق از تعهد برای فراهم‌آوردن و پرداخت مزایای کارگری سر باز می‌زنند، حاملان نیروی کار را پاره‌پاره ساخته و امکان مقاومت کارگری را به حداقل می‌رسانند و دشواری‌های قانونی و عملی برای فعالیت‌های اتحادیه‌ای کارگران به وجود می‌آورند. / گروه فمینیستی.

4 Anti-hetereosexism

پیشنهاد ما به‌مثابه‌ی نخستین گام، هم‌یاری و کمک برای ایجاد یک اعتصاب بین‌المللی در روز ۸ مارس در ضدیت با خشونت مردانه و در دفاع از حقوق بازتولیدی است. در این راستا، ما نیز به مجموعه‌ی گروه‌های فمینیستی از ۳۰ کشور جهان که برای چنین اعتصابی فراخوان داده‌اند می‌پیوندیم. ایده‌ی این حرکت این است که همه‌ی زنان، شامل زنان ترنس، و تمامی حامیان آن‌ها را در یک روز بین‌المللی مبارزه سازمان‌دهی کنیم، روزی برای اعتصاب، راه‌پیمایی در خیابان‌ها، بستن جاده‌ها و پل‌ها و میدان‌ها، روز امتناع از کار خانگی، کارهای مراقبتی و نیز تن‌فروشی، روزی برای تحریم کمپانی‌ها و سیاست‌مداران زن‌ستیز و پیشبرد خواست اخراج و طرد آن‌ها، روزی برای اعتصاب در نهادهای آموزشی. هدف این کنش‌ها این است که نیازها و خواست‌ها و آرمان‌های کسانی عیان و رؤیت‌پذیر گردد که فمینیسم «خودت رو بکش بالا» آن‌ها را نادیده گرفته است؛ یعنی زنان در بازار کار معمولی، زنان شاغل در حوزه‌های مراقبتی و بازتولید اجتماعی، و زنان بی‌کار و زنان کارگر با وضعیت بی‌ثبات و متزلزل شغلی.

ما در استقبال از فمینیسمی برای ۹۹ درصد، از ائتلاف آرژانتینی «نی اونا منوس^۱» الهام می‌گیریم. بر مبنای تعریفی که آن‌ها به‌دست می‌دهند، خشونت علیه زنان جوانب بسیاری دارد: خشونت علیه زنان شامل خشونت خانگی است، اما خشونت بازار، خشونت بدهی، و خشونت روابط مالکیت سر‌مایه‌داری، و خشونت دولتی را نیز دربرمی‌گیرد، همچنان که خشونت سیاست‌گذاری‌ها علیه لژیون‌ها، ترنس‌ها و زنان کوئیر، خشونت مجرم‌سازی دولتی جنبش‌های مهاجرتی، خشونت حبس‌ها و زندان‌های عظیم و توده‌ای، و خشونت نهادی علیه تن‌های زنان از طریق منع و کمبود دسترسی به تسهیلات رایگان سلامت و سقط جنین رایگان و آزاد را شامل می‌شود. چنین چشم‌اندازی از لزوم عزم و اراده‌ی محکم ما برای مقابله و ضدیت با تهاجمات نهادی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی‌ای خبر می‌دهد که بر زنان مسلمان و زنان مهاجر، زنان رنگین‌پوست، زنان کارگر و زنان بی‌کار، لژیون‌ها، زنان ترنس و ناسازگاران با جنسیت^۲، وارد می‌آید.

«راه‌پیمایی‌های زنان» در در روز ۲۱ ژانویه نشان داد که در ایالات متحد نیز ممکن است یک جنبش نوین فمینیستی در حال ساخته‌شدن و برآمدن باشد. بسیار مهم است که چنین تکانه‌ای را از دست ندهیم. بیایید در روز ۸ مارس به هم بپیوندیم تا اعتصاب کنیم، به خیابان‌ها بیاییم و به راه‌پیمایی و اعتراض پردازیم. بیایید از این فرصت و مناسبت روز بین‌المللی کنش و مبارزه بهره ببریم و کار فمینیسم «خودت رو بکش بالا» را یک‌سره کنیم و بر جای آن فمینیسمی برای ۹۹ درصد بسازیم، فمینیسمی ضد-سر‌مایه‌داری که مبتنی بر توده‌هاست، فمینیسمی در همبستگی با زنان کارگر، خانواده‌های آن‌ها و همراهان و حامیان‌شان در سراسر جهان.

۳ فوریه ۲۰۱۷

1 Ni Una Menos

2 gender nonconforming

لیندا مارتین آلکوف (Linda Martín Alcoff) پروفیسور فلسفه در کالج هانتز و مرکز تحصیلی سی.یو.ان.وای. و نویسنده‌ی کتاب «هویت‌های رؤیت‌پذیر: نژاد، جنسیت، و خویشتن^۱» است. او اینک در حال کار روی کتاب جدید خود درباره‌ی خشونت جنسی، و کتاب دیگری درباره‌ی استعمارزدایی از شناخت‌شناسی است.

سینزیا آروتزانا (Cinzia Arruzza) دستیار پروفیسور فلسفه در «مدرسه‌ی جدید برای پژوهش اجتماعی» در نیویورک و کنش‌گر فمینیست و سوسیالیست است. او نویسنده‌ی کتاب «روابط خطرناک: ازدواج‌ها و طلاق‌های مارکسیسم و فمینیسم^۲» است.

تیتی باتاچاریا (Tithi Bhattacharya) مدرس تاریخ در دانشگاه پوردو (Purdue) است. نخستین کتاب او، با عنوان «دیده‌بانان فرهنگ: طبقه، آموزش، و روشنفکران استعماری در بنگال^۳»، درباره‌ی دل‌مشغولی طبقه‌ی متوسط در ارتباط با فرهنگ و آموزش است. اثر او در مجلات عملی متعددی نظیر «ژورنال مطالعات آسیایی»، «پژوهش آسیای جنوبی» و «نیو لفت ریویو» منتشر شده است؛ او در حال حاضر مشغول کار روی پروژه‌ی کتابی با عنوان «تاریخ‌های خارق‌العاده: ترس، خرافات و خرد در بنگال استعمارزده^۴» است.

نانسی فریزر پروفیسور فلسفه و علوم سیاسی در «مدرسه‌ی جدید برای پژوهش اجتماعی» در نیویورک است. از جمله کتاب‌های او می‌توان به «بازتوزیع یا بازشناسی^۵» و «اقبال‌های فمینیسم^۶» نام برد.

کینگا یاماتا تیلور دستیار پروفیسور در «مرکز مطالعات آفریقایی-امریکایی» در دانشگاه پرینستون، و نویسنده‌ی کتاب «از #جان‌سیاهان‌اهمیت‌دارد تا آزادی سیاهان^۷» است.

راسمی یوسف اوده (Rasmea Yousef Odeh) یکی از مدیران «شبکه‌ی کنش عرب-امریکایی»، رهبر کمیته‌ی زنان این شبکه، و عضو سابق «جبهه‌ی مردمی برای آزادی فلسطین» (PFLP) است.

آنجلا دیویس (Angela Davis) پروفیسور برجسته‌ی دانشگاه سانتا کروز در کالیفرنیا، و یکی از اعضای هیئت منصفه‌ی «تریبونال راسل درباره‌ی فلسطین» در سال ۲۰۱۲ است.

1 Visible Identities: Race, Gender, and the Self

2 Dangerous Liaisons: The Marriages and Divorces of Marxism and Feminism

3 Culture: Class, Education, and the Colonial Intellectual in Bengal (Oxford, 2005)

4 Uncanny Histories: Fear, Superstition and Reason in Colonial Bengal

5 Redistribution or Recognition

6 Fortunes of Feminism

7 From #BlackLivesMatter to Black Liberation

باربارا رنسی (Barbara Ransbi) کنش‌گر، نویسنده، تاریخ‌نگار، و پروفیسور دانشگاه ایلینویز (Illinois) در شیکاگو است. او نویسنده‌ی کتاب «إلا بیکر»^۱ و «جنبش آزادی سیاهان»^۲، و نیز یکی از ویراستاران «جان‌ها»^۳ است، وی همچنین رئیس «انجمن ملی مطالعات زنان» است.

Viewpoint Magazine

منبع:

Beyond Lean-In: For a Feminism of the 99% and a Militant International Strike on March 8

1 Ella Baker

2 Black Freedom Movement

۳ [SOULS](#)، مجله‌ای انتقادی درباره‌ی جامعه، سیاست و فرهنگ «سیاه» است.